

مطالب نقل شده از آنها می‌تواند در شناخت منابع سیره نبوی به ما کمک شناسیت‌های بین‌مبارد.

استاد عبدالمنعم محمود شاکر در کار بزرگی که تحت عنوان ابن حجر المسقلانی، مصنفاته و دراسه‌هی منهجه و مولاده فی کتابه‌الاصابه (بیروت، مؤسسه‌الراسله، ۱۴۱۷) انجام داده، در مجلد دوم اثر خوشن پیمان منابع الاصابه پرداخته و به صورت موضوعی، کتابه‌های هر رشته‌ای را به صورت مجزا معرفی، کرد هاست.

در اینجا ترجمه بخش مربوط به سیره و مغایر برای افزودن بر آگاهی‌های موجود در زمینه منابع سیره‌نویی، در اختیار علاقمندان قرار می‌گیرد.

١- المؤذن النبوى (ص) أبو عبدالله محمد بن احمد الانصارى القرطبي (م): (٦٧١)

در دو مورد از این کتاب نقل شده است: ۱/۲۵۲۲/۹۱

²- السرّه الكبير، محمدان، اسحاق المطلي، (١٥١م):

در ده مورد از آن اقتباس شده است. در ۱۴/۲ آمده است: روی ابن اسحاق فی الكتاب الكبير عن هشام بن عروه .۲۰۰، ۴۹۰، ۳۷۸/۵، ۱۷۱/۴، ۵۰۰، ۵۹۸، ۶۸۵، ۵۸۴/۷، ۱۴۶ و قرائت وجدت.

شرح حال ابن اسحاق را بنگرید در: تذکره الحفاظ، ۱۷۲/۱ به بعد. در فهرسه ابن خیر ص ۲۳۲ آمده است: كتاب المغازى و السير. و در ص ۲۳۳ آمده: كتاب سیر رسول الله. و نک: دراسه سیره النبي و مؤلفه ابن اسحاق، بغداد، ۱۹۶۵. جواد علی، موارد تاریخ الطبری، مجله المجمع العلمی، ۱-۱۹۵۰/۲۰۷-۲۰۷.

^{٢٠}- السيرة النبوية للإمام محمد بن إسحاق المطليسي (ج ١٥) :

موارد اقتباس از آن بسیار فراوان است، اما نامی از کتاب برده نشده. برای نمونه آمده: ذکره این اسحاقی البدرین او اهل الخندق او المهاجرین او الذين حضروا بیعه العقبة. گویا قصد اختصار گوئی داشته که نام کتاب را نیاورده است. در چهل مورد با تغییر السیره النبیویه یا سیره این اسحاق با السیره از آن یاد کرده است. برای نمونه بنگرید: $\frac{۱}{۱/۵۳} , \frac{۲/۰۰۰}{۴/۸۶۹} , \frac{۱/۳۳}{۲/۰۵۳}$ (در این مورد آمده: وجدت یعنی یافتم). $\frac{۱/۵}{۵/۴۶۷} , \frac{۱/۴}{۵/۳۴۵} , \frac{۱/۶}{۵/۲۵} , \frac{۱/۷}{۵/۵۲۵}$ یادخواهیم کرد. این ندیم از آن با عنوان السیره والمبتدأ والمفاری یاد کرده است.

٤- تهذيب السيره التبويه او مختصر السيره ابومحمد عبدالمالك المصري
ابن هشام (م ٢١٨):

در موارد مختلفی از آن استفاده شده و نامهای مختلفی برای آن یاد شده است؛ مانند تهذیب السیره (۴۰/۳)، کتاب ابن هشام (۷۴/۱)، السیره النبویه اختصار ابن هشام (۴۷۰/۵، ۷۵۳/۷، ۵۹۸/۷)، زیادات ابن هشام فی السیره (۶/۱۴۰/۸، ۵۰۵، ۴۶/۷۴۷۶)، مقصود از زیادات ابن هشام، افزوده‌های او بر روایاتی است که بگانی و ابن بکیر و دیگران از ابن اسحاق نقش کرده‌اند. نیز نک: فهرسه ابن خیر، ص ۲۳۳، المعجم المفہوس ابن حجو، برگ ۲۷ الف. در آنجا ابن عنوان آمده: کتاب السیره النبویه تهذیب ابن هشام من السیره الکبری لابن اسحاق. پس از آن سندش برای روایت آن درج شده است.

۵- الترجمة النبوية محمد بن سعد (م ۲۳۰):
مقصود همان است که در ضمن کتاب طبقات‌الکبری آمده است و بحث
آن در ذیل ردیف کتاب‌های تراجم (در همین کتاب یعنی کتاب ابن حجر
العسقلانی، مصنفاته و دراسه فی منهجه) آمده است.

^٦ - السير العادلة محمد بن عمران المرزباني (م ٣٨٤):

تنها در یک مورد از آن نقل شده است: ۱۸۵/۷

٧ - السيره النبويه شرف الدين الدمشقى (م ٧٠٥):

۴۰۴/۲ تنها در یک مورد از آن نقل شده است:

۸- السیره النبویہ؟
 نام مؤلف یاد نشده است. قبل و بعد از آن هم چیزی که بتوان از آن نشانی به دست آورد نیامده است. در مردم نقل شده (۶ / ۱۷۰) آمده است: «این معبد، غیر از معبد فرزند ام معبد است چه در السیره النبویه آمده است که معبد خزانی...»، این در حالی است که تمامی کتاب‌های سیره، معبد و مادرش را یاد کرده‌اند. همچنین اشاره به السیره شده، اما از مؤلف آن یاد نشده است: ذکر فوی السیره (ص) / ۴۰۴-۶. چه با بر این حمل شود که مقصود تاریخ سیره النبي (ص)

سیره‌های نبوی مورد استفاده ابن حجر

الاصابه في تمييز الصحابه

• تالیف: عبد المنعم محمود شاکر
• ترجمہ: سید علی حسین فراز

بدون تردید کتاب الاصحابه فی تمییز الصحابة مفصل ترین و جامع ترین اثری است که درباره شناخت اصحاب پیامبر (ص) نگاشته شده است. مؤلف آن، نویسنده برجسته اهل سنت شهاب الدین احمد بن علی معروف به ابن حجر عسقلانی (۷۷۳ - ۸۵۲) است که از اثاث فراوانی در حدیث و فقه و شرح حال برچای مانده است.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این حجر آن است که ممکن است شمار آخرين افرادی باشند که از میراث مكتوب برچرای مانده از دووان نخست اسلامی در پایان عهد مملوک استفاده کرده و به همین دلیل، بسیاری از کتاب‌هایی که در دسترس وی قرار داشته، پس از آن برچرای نمانده است. این حجر در استفاده از این کتاب‌ها، ناشی رسانی کرده و با اشاره به نام آنها، بخش‌هایی از آنها را برای ما نگاه داشته است.

در این میان، الاصله از این جهت بسیار ممتاز بوده و از خلود ۹۴۰ کتاب که در زمینه حدیثه تاریخی لالی نقل کرده که برای اطلاعات کتابشناسی ما بسیار از این آثار درباره «سیره نبوی» و مغازی است که تقریباً ب می‌شود. برخی از این سیره‌ها مفقود شده و نامها

تراجمو ادبیات بوده
سودمند است. پخش
شاملینجاه عنوان ک

به طور عام است بوده و کتاب خاصی در نظر نیست. از این قبیل است: والقصه
ب بذلك مشهوره فی السیره / ۶۵۲۵

-۹- السیره الشامیه؟

تنهای در یک مورد مطلبی از آن نقل شده (۷/۲۱) و نامی از مؤلف آن به
میان نیامده است.

-۱۰- السیره النبویه محمدبن محمدبن محمد بن سیدالناس ابوالفتح الیعمری
(۷۳۴م)

از آن در یک مورد نقل شده است (۱/۴۳۷). این کتاب با عنوان عيون
الاٹر فی فتوح المغاری و الشماطی و السیر چاپ شده است: مکتبه القدس،
۱۳۵۷ق نیز نک: المعجم المفہرس (ابن حجر) برگ ۲۹ الف. شرح
حال او را بنگرید در: تذکره الحفاظ ۴/۱۵۰۳.

-۱۱- السیره النبویه عبدالغئیق المقدسی:

تنهای در یک مورد از آن نقل شده است (۴/۵)، نیز نک: المعجم
المفہرس، برگ ۱۷۵ الف. الاعلان بالتوبیخ، ص ۱۶۱

-۱۲- السیره النبویه ابن کثیر (۷۷۴م)

در ۳/۲۸۱ از آن نقل شده و مقصود از این عنوان بخش سیره کتاب
البیداء و النهاية ابن کثیر است.

-۱۳- الاوض لافه ابویزید ابوالقاسم عبدالرحمون بن عبدالله السیهیلی (۵۸۱م)

از این کتاب در سه مورد نقل شده است: ۲/۴۳۶، ۴۵۴/۴۲۷۳، ۶/۳۲۶. این
کتاب شرح این هشام است. نیز نک: المعجم المفہرس، برگ ۱۷۵ الف

الاعلان بالتوبیخ، ص ۱۵۸

-۱۴- شرح السیره ابومحمد عبدالکریم بن عبدالنور حلبي (۷۳۵م)

در دو مورد از آن نقل شده است: ۲/۸۹۱، ۲/۸۸. نام کتاب العذب الهنی
می باشد. بنگرید: معجم المفہرس، برگ ۱۷۵ الف. الاعلان بالتوبیخ، ص

۱۵۶، تذکره الحفاظ، ۴/۱۵۰۲

-۱۵- الترجمه النبویه تالیف بعض من جمع رجال العمداء:

این کتابی جزئی از یک اثر بوده که دقت این حجر رادر اشاره به منابعش در
الاصیلیه نشان می دهد. عبارت الاصابه این است: ذکرها بعض من جمع رجال
العمداء للحافظ عبدالغئیق فاورد فی اول الكتاب شيئاً من الترجمه النبویه: ۷/۵۴۰.

-۱۶- دلائل النبوه احمدبن عبدالله ابونعمیم اصفهانی (۴۳۰م)

در پانزده مورد از آن نقل شده است: برای مثال ۱/۱، ۵۸/۲، ۳۲۶/۲، ۳۵۳/۱، ۵۸/۱،
۶۰۰/۷۴۰، ۴۲۶/۱، ۴۵۶/۱. در بیشتر موارد اشاره شده که ابونعمیم مطلب را
از این اسحاق یا واقدی گرفته است. سخاوی در الاعلان ص ۱۶۶ از این کتاب

یاد کرده و کتاب یاد شده در سال ۱۹۵۰ در حیدرآباد چاپ شده است.

-۱۷- دلائل النبوه عبدالله بن محمد ابویکر ابن الدینی (۲۸۱م)

تنهای در یک مورد از آن نقل شده است: ۱/۳۷۷، نک: الاعلان، ص ۱۶۷.

-۱۸- دلائل النبوه محمدبن اسحاق ابن منده (۳۹۵م)

در دو مورد از آن نقل شده است: ۲/۴۰۳، ۶/۴۰۳ و نک: الاعلان، ص ۱۶۶.

-۱۹- دلائل النبوه احمد بن حسین ابویکر بیهقی (۴۵۸م)

در چهل و دو مورد از آن نقل شده است: ۱/۴۰۳، ۹۱/۲، ۵۲۱، ۱۹۲، ۱۷۴، ۳/۴، ۵۵۳،
۶/۴، ۳۴۱، ۲۶۵/۷، ۶۰۸، ۱۵۳، ۷۰۴، ۴۷۱/۵۷۰، ۹۳. سخاوی در الاعلان ص ۱۶۷ از کتابهای دلائل یاد کرده و این اثر را بهترین
آنها دانسته است. نیز نک: المعجم المفہرس، برگ ۲۸ الف.

-۲۰- دلائل النبوه محمدبن سلیمان الھروی:

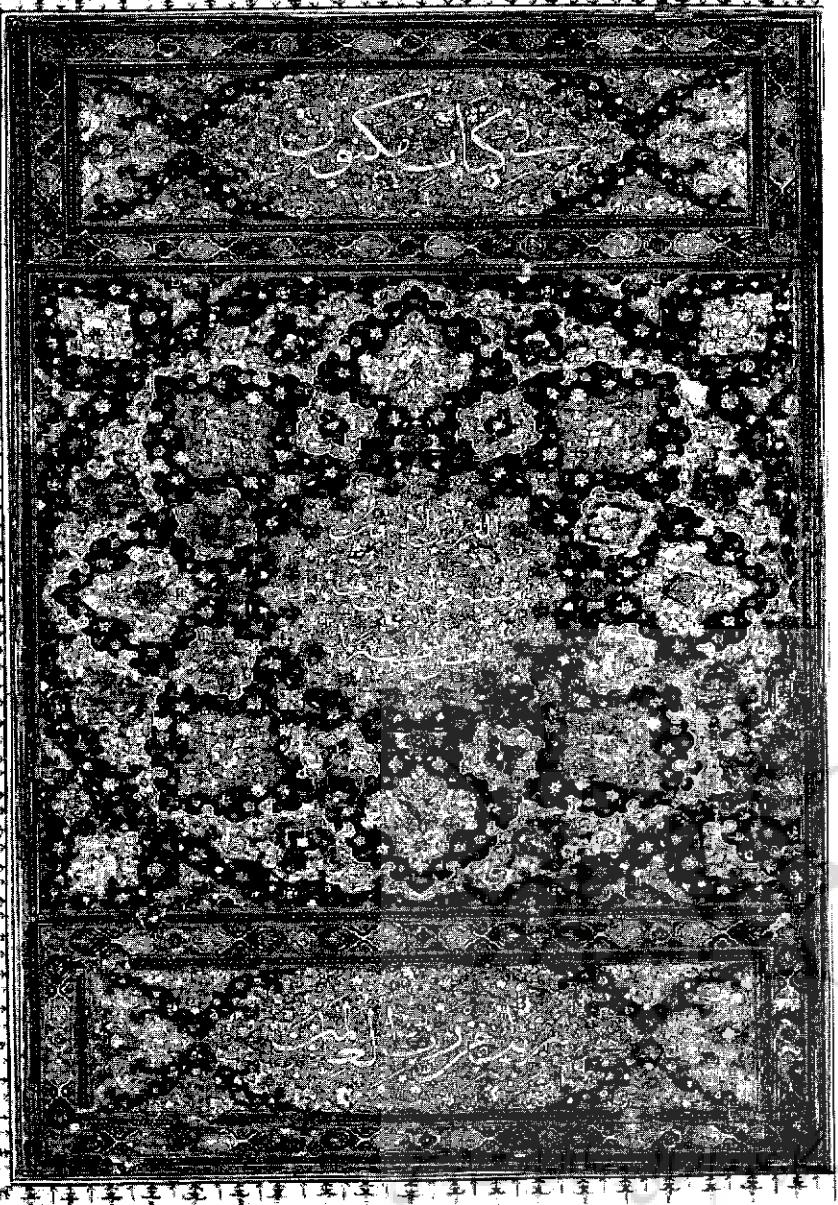
تنهای در یک مورد از آن نقل شده آن هم از طریق ابونعمیم با این عبارت:
اخراج ابونعمیم فی الصحابه، ثماخرج من طریق محمد بن سلیمان الھروی انه
قال فی کتابه دلائل النبوه. (۳۳۷م).

-۲۱- کتاب الدلائل، ثابت قاسم الشریعی:

در پانزده مورد از آن نقل شده است، (مورد نخست در ۱/۴۷۸). جز آن که
نام مؤلف گاه به صورت مقلوب و تصحیح شده آمد است. در ۴/۳۷۸، ۳۵۶/۵،
۵/۴۵۶/۷، ثابت بن قاسم آمد. در ۴/۷۶۸، ۵/۷۶۸، ۷/۷۷۵، ۵/۷۶۸، ۲/۷۷۵،
و در ۲/۷۷۶، ۱/۳۱۷، ۱/۳۱۷، تعییر «وردالقاسم فی الدلائل» و در ۸/۲۹۵،
۶/۵۲۵ «ورد ثابت بن قیس فی الدلائل» آمد است.

-۲۲- الشفاه، قاضی عیاض بستی (۵۴۴م)

در سه مورد از آن نقل شده است. ۱/۲۹۸، ۵/۳۷۳، ۵/۳۷۲. این
کتاب با عنوان الشفاه بتعربی حقوق المصطفی چاپ شده است. نک: الاعلان،



● بدون تردید
کتاب الاصابه
فی تمیز الصحابه،
مفصل ترین و جامع ترین
اثری است که

درباره شناخت
اصحاب بیامبر(ص)
نگاشته شده است.
ص ۱۶۹: المعجم المفہرس، برگ ۱۹۶ الف. روی نسخه مخطوطی از شفاه که
در دارالکتب الظاهریه (ش ۸۲۷۷) موجود است، سماع ابن حجر دیده می شود.
نک: مخطوطات الظاهریه، التاریخ و ملحقاته، ۲/۳۰.

۲۳- هواف الجن، ابن ابی الدنيا (۲۸۱م)

در یک مورد از این کتاب نقل شده است: ۲/۲ (۳۴). عبارت الاصابه در
شرح حال حاج بن علاط (ش ۱۶۲۴) چنین است: «و روی ابن ابی الدنيا فی
هواف الجن...» پس از آن شرحی از اسلام آوردن حاج و شنیدن آیه از جن
را آورده است. نام این کتاب در الاعلان ص ۱۶۵ «هواف الجن» ضبط شده است.

۲۴- هواف الجن، ابویکر محمدبن عجفر الخرانطي (۲۲۷م)

در شش مورد از آن نقل شده است: ۱/۷۶، ۲/۷۲، ۳/۷۶. با تعبیر روی و ذکر از آن نقل شده است. سخاوی در الاعلان ص

۱۶۵ عنوان کامل آن را هواف الجن و عجیب ما یحکی عن الكهان من بن شر

بالنبی بواسطه البرهان یاد کرده است. نقهاهی صورت گرفته، بخشی درباره
مولد النبی (ص) و بخشی مربوط به اخبار کاهنان و جنیان است. نک: معجم
المفہرس، برگ ۲۸ الف.

۲۵- اعلام النبوه؟

درباره مؤلف این کتاب مطلبی در الاصابه نیامده، جز آن که در بیشتر
مواردی که از آن چیزی نقل می شود مطلب از ابن عبدالبر قل شده است. برای
نمونه در مورداویل (۵۱۷م) آمده است: حدیثه فی اعلام النبوه حدیث حسن
کذا قال ابن عبدالبر. در ۱/۵۸۸ در شرح حال شماره ۱۳۵۵ آمده است: له خبر

● **الاصابه از حدود**
كتاب که در زمينه حدیث،
تاریخ، تراجم و ادبیات بوده
مطالبی نقل کرده که برای
اطلاعات کتابشناسی ما
بسیار سودمند است.

فی اعلام النبوه... اورده ابو عمر مختصر. در ۲ / ۳۶۲ آمده است: له خیر
من اعلام النبوه فی اسناده مقال ذکره ابو عمر. نیز در ۳ / ۶۲۵ و ۷ / ۶۲۵ من
نویسید: والحدیث المذکور فی علامات النبوه. سخاوهی در الاعلان بالتوییخ

ص ۱۶۷ از برخی از مؤلفان کتابهای اعلام النبوه یاد کرده: ابو محمد بن قبیله،
ابو داود صاحب سنن، ابوالحسن بن فارس، ابوالحسن ماوردي فقيه، قاضی
الجماعه ابو مطرطفوري والعلاء مغلطاني. ابن حجر در معجم المفهوس ببرگ
۲۸ الف سند خود را به كتاب اعلام النبوه ابن قبیله وابو داود آورد هاست. در
فهرسه ابن خیر ص ۱۱۰ از كتاب اعلام النبوه ابوداود و در ص ۱۵۱ از اعلام
النبوه ابن قبیله از حدود است. ۲

● **شرف المصطفی، عبد الملک بن محمد ابوسعید [ابوسعید] نیشاپوری**
خرگوشی (م ۴۰۶ یا ۴۰۷):

از این كتاب در سی و یک مورد نقل شده است. برای مثال: ۱ / ۱، ۴۸۲، ۵۸، ۵۱۷،
۴۲۵ / ۶، ۵۸۷، ۲۱ / ۵، ۶۳۹، ۱۳۴ / ۴، ۶۱۴، ۲۲۴ / ۳، ۵۶۸، ۴۰۲ / ۲، ۵۱۷
۵۵۳ / ۷، ۶۲۵. در بیست مورد کنیه او ابوسعید آمده و در یک مورد
تصحیف شده است. عبارت الاصابه چنین است: ذکر عنہ سعید

النیشاپوری فی شرف المصطفی. در بیست مورد دیگر کنیه مؤلف ابوسعید
آمده در الاعلان ص ۱۶۹ ابوسعید گفته شده و آمده است که كتاب او چندین

مجلد است. در الرساله المستطرفة ص ۱۰۹، کنایی بن ابوسعید عبد الملک بن
محمد بن ابراهیم نیشاپوری و ابوسعید عبد الرحمن بن حسن اصفهانی نیشاپوری
تفاوت گذاشته و گفته است که هر دوی آنها کتابی با عنوان شرف المصطفی

- دارند. در فهرسه ابن خیر ص ۲۸۹ از شرف المصطفی ابوسعید یاد شده است.
- کتاب اخلاق النبي (ص)، عبدالله بن محمد ابوالتسخیخ الانصاری (م ۳۶۹):
تنها در یک مورد از این كتاب نقل شده است: ۱۰۶ / ۱۰۶، با عنوان: ما ذکر
فی خلق رسول الله (ص) و کرمه و کثره اختمامه و شده حیاته و عفوه و منه
مختارات لایی بکر محمد بن ولید طرطوشی، نسخه‌هایی از این کتاب بر جای
مانده است؛ نک: تاریخ التراث العربي سرگین، مصر ۱۹۵۹، مجلد ۱، ج ۱، ص ۴۹۶. ابن
کتاب با تحقیق ابوالفضل عبدالله الغفاری (مصر ۱۹۵۹) چاپ شده ۴ و در فهرسه ابن
خیر ص ۲۷۶ آن یاد شده است. نک: تذکره الحفاظ، ج ۳، ص ۹۴۵:
- ۲۸ کتاب الشمائل، محمد بن عیسیٰ ترمذی (م ۲۷۹):
در شش مورد از آن نقل شده است: ۲ / ۵۶۴، ۲۶۹، ۱۵۹ / ۷، ۴، ۹ / ۴، ۵، ۴۷ / ۵، ۵۲۶.
۵ / ۵، ۵۲۶. و بنگرید: الاعلان، ص ۱۶۸؛ المعجم المفهوس، برگ ۲۹؛
المعجم المؤسس، برگ ۱۸، و نگاه کنید به تحقیق نورالدین عنتر با عنوان
در اسسه لکتاب الشمائل الامام الترمذی، صفحه ۴۳۳-۴۳۸.
- ۲۹ کتاب الشر بخبر البشر، ابن ظفر الحموی:
تنها در یک مورد از آن نقل شده است: ۶ / ۲۶۲.
- ۳۰ کتاب حجۃ الوداع، ابوسعید بن الاعرابی:
تنها در یک مورد از آن نقل شده است: ۷ / ۶۸۸.
- ۳۱ کتاب حجۃ الوداع، ابومحمد ابن حزم الاندلسی:
تنها در یک مورد از آن نقل شده است: ۷ / ۶۸۸ و نک: المعجم المفهوس
برگ ۱۷۵ الف.
- ۳۲ کتاب ترکه النبي (ص)، محمد بن عبدالرحمن ابوطالب المخلص (م
): ۳۹۳

تنها در یک مورد از آن نقل شده است: ۷ / ۲۸۹.
- ۳۳ کتاب الصطب النبوی، عبد الملک بن حبیب الاندلسی (م ۲۳۹):
عبارت نقل شده از آن در الاصابه (۱ / ۵۹۵): چنین است: و فی كتاب الصطب
النبوی لعبدالملک بن حبیب من مرسل عروه بن زیب عن عمر. شرح حال
مؤلف را بینیدر: تذکره الحفاظ ۲ / ۵۳۷. ذهبي او رادر حدیث متقد نمی‌داند.
- ۳۴ کتاب فصل الصلاة على النبي (ص)، اسماعیل بن اسحاق القاضی
(م ۲۸۲):

تنها در یک مورد از آن نقل شده است: ۱ / ۶۳. دریاره آن بنگرید: الاعلان،
صفحه ۱۷۱ - ۱۷۱، المعجم المفهوس، برگ ۴۱ ب، المعجم المؤسس، برگ
۲۵، فهرسه ابن خیر، ص ۳۰۴. تذکره الحفاظ، ۲ / ۶۲۵.
- ۳۵ مولیٰ النبي (ص)، عبد المؤمن بن خلف الدیلمی (م ۷۰۵):
در یک مورد از این کتاب نقل شده است: ۱ / ۶۳. شاید مقصود کتاب سیره
او باشد که گذشت. شرح حال دمیاطی در تذکره الحفاظ، ۴ / ۱۴۷ آمده است.
- ۳۶ موالی رسول الله (ص)، ابویکر محمد ابن حزم الاندلسی (م ۴۵۶):
عبارات الاصابه (۵ / ۳۴۷) چنین است: نقل جمفر المستغمری انه نزل
الشام و ابن ابیکر بن محمد بن حزم ذکرہ فی موالی رسول الله (ص). ۵

- ۳۷ کتاب النبي (ص)، القضاعی:
در دو مورد از آن نقل شده است: ۱ / ۵۲۲، ۹۱ / ۲، ۹۲ / ۱.
- ۳۸ کتاب النبي (ص)، خلیفه بن خباط (م ۲۴۰):
تنها در یک مورد نقل شده (۲ / ۲۸۱) و شاید از کتاب طبقات یا تاریخ او
باشد که آنها نیز از متابع الاصابه است.

- ۳۹ کتاب رسول الله (ص)، ابوالحسن المدائی (م ۲۲۸):
در سه مورد از آن نقل شده است: ۱ / ۵۸۵، ۳ / ۵۸۱، ۱۲۰، ۱۸۳ / ۲. در نقل از آن از
تعییر «ذکر» استفاده شده است. در متابع از متابع سه عنوان رسائل النبي
(ص)، کتب النبي (ص) الی الملوك و من کتب له النبي کتاباً و امانتاً شده اما
عنوان کتاب رسول الله (ص) نیامده است. بنگرید: بدی محمد فهد شیخ
الأخاریین ابوالحسن المدائی، صفحه ۲۳ - ۲۲.

- ۴۰ من کتب الیه النبي (ص) من اقیال اهل الیمن، ابوالحسن المدائی
(م ۲۲۸):

عبارات الاصابه (۵ / ۳۹۱) چنین است: ذکر المدائی فیمن کتب الیه
النبي من اقیال اهل الیمن من مسلم. بنگرید به مطالی که در ادامه عنوان
قبیل امده.

- ۴۱ المغازی، موسی بن عقیه (م ۱۴۰):
در بیست و شش مورد از آن نقل شده است. برای مثال: ۱ / ۴۸۱، ۴۸۲ / ۲، ۵۱۷
۴۰۰ / ۳، ۴۰۱ / ۱۱۹، ۲۵۲ / ۴، ۲۵۶، ۴۲۵ / ۴، ۶۱۴، ۲۲۴ / ۳، ۵۶۸، ۴۰۲ / ۲، ۵۱۷
۵۵۳ / ۷، ۶۲۵. در بیست مورد کنیه او ابوسعید آمده و در یک مورد
تصحیف شده است. عبارت الاصابه چنین است: ذکر عنہ سعید

● یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های ابن حجر آن است که وی در شمار آخرین افرادی است که از میراث مکتوب بر جای مانده از دوران نخست اسلامی در پایان عهد مملوکی استفاده کرده و به همین دلیل بسیاری از کتاب‌هایی که در دسترس وی قرار داشته، پس از آن بر جای نمانده است این حجر در استفاده از این کتابها، تلاش زیادی کرده و با اشاره به نام آن‌ها، بخش‌هایی از آنها را برای مانگاه داشته است.

● استاد عبدالمنعم محمود شاکر در کاربزرگی که تحت عنوان «بن حجر العسقلانی، مصنفات و دراسه فی منهجه و موارد فی کتابه الاصابه» انجام داده، در مجلد دوم اثر خویش، به بیان منابع الاصابه پرداخته و به صورت موضوعی، کتاب‌های هر رشته‌ای را به صورت مجاز اعرافی کرده است.

يونس بن بکر فی زیادات المغازی. ۳/۷۷؛ اخچه یونس بن بکر فی زیاده عن عثمان بن عبدالرحمن عن الزهری. ۵/۴۲۲، ۶/۵۱۵، ۶/۲۲۵، ۶/۲۳۶، ۶/۴۵۶. در اینجا می‌نویسد: اورده یونس بن بکر فی مغازی این اسحاق. ۸/۲۵۷. ۴- کتاب الدرر فی المغازی و السیر، ابو عمر ابن عبدالبر: در چهار مورد از آن نقل شده است. در نخستین مورد (۴/۸۲) آمده است: ذکر ابو عمر فی السیر له، و بنگردید: ۵/۷، ۷/۷۲۲، ۸/۷۲۲. این کتاب با عنوان الدرر فی اختصار المغازی و السیر با تحقیق شویض (قاهره ۱۳۸۶) چاپ شده و با همین عنوان در فهرسه این خبر ص ۲۳۲ آمده است.

۵- المغازی، محمد بن عمرو واقدی (م ۲۰۷): درسی و هشت مورخان آن نقل شده است. برای نمونه: ۱/۴۶، ۲/۲۸۵، ۳/۵۰۶. ۶/۴۶۳، ۷/۲۰۰، ۷/۵۸۷. در دو مورد این حجر به صورت غیر مستقیم از مغازی بهره برداشت. در یک مورد نصی را از ابولسعادات این اثیر برادر این اثیر صاحب اسد القابه - گرفته (۱/۲۴۵) و نص دیگر را از این شاهین اخذ کرده است (۱/۲۴۵).

در بیشتر موارد به گونه‌ای نقل می‌کند که نشان می‌دهد به طور مستقیم از آن کتاب استفاده کرده است. و نیز نگاه کنید: «الجم المفہرس»، برگ ۲۷ ب. در میان تالیفات این حجر، کتابی نیز با عنوان منقی من مغازی الوقدی دیده شود. کتاب مغازی با تحقیق مارسدن جونز (دانشگاه اکسفورد ۱۹۶۵) چاپ شده است. نیز نک: موارد الطبری، مجلد ۲، جزء ۱، ص ۴۱ - ۴۰.

۶- المغازی، عروه بن زیبر (م میان ۹۴ - ۱۰۱):

عبارت الاصابه (۱/۲۴۴) چنین است: و كذلك ذکر نحو هذا عروه فی المغازی فی روایه ابن لهجه عن ابی الاسود عن عروه. این حجر در جای دیگری (۳/۱۰۴) تصریح بر اقتباس از مغازی عروه دارد. ذهبي در بخش المغازی تاریخ الاسلام، از طریق ابن لهجه از ابی الاسود از عروه نقل می‌کند.

۷- المغازی، سعید بن سعید اوموی (م ۲۴۹):

در سی و هفت مورد از آن نقل شده است. برای مثال: ۱/۱۴۶، ۲/۱۴۶، ۳/۴۰، ۱۱/۵۱۹، ۱۲/۵۷۵، ۱۳/۳۳۷، (در اینجا آمده است: ذکر الاموی فی المغازی لیونس بن بکر)، ۱۴/۱۷۲، ۱۵/۶۰۴، ۱۶/۱۴۶، ۱۷/۴۸۸، ۱۸/۷۲۵ که به نظر می‌رسد اسم مقلوب شده و بجای سعید بن بحی، بحی بن سعید آمده است. در جایی که این حجر سند خود را در روایت مغازی اوموی نقل کرده او را سعید بن بحی اموی نامیده کتاب را سه جلد دانسته است. نیز نک: «الجم المفہرس»، برگ ۲۷ ب. فهرسه این خیر، ص ۲۳۷ در آنجا کتاب السیر نامیده شده است. نیز نک: «الاعلان»، ص ۱۵۷. سعید از پدرش بحی بن سعید آمده که از خواص این اسحاق بوده نقل می‌کند. نک: «ذکر الحفاظ»، ج ۱، ص ۳۲۶. از موارد یاد شده چنین به دست می‌آید که بیشتر روایات اموی به این اسحاق بر می‌گردد.

پانویس:

۱- موضوع این کتاب درباره ننانهای جن‌هاست که اخبار خاص در ذیل آن وجود دارد و طبعاً ربطی به سیره ندارد. معلوم نیست چرا عبدالمنعم شاکر این کتاب را در ردیف کتابهای سیره‌آورده است. این کتاب به چاپ رسیده و سیوطی هم تلخیصی از آن کرده و اخبار دیگری بر آن افزوده است. (متوجه)

۲- احتمال زیاد دارد که این حجر، بنای نام بردن از کتابی با عنوان اعلام البهوة را ناشته و تعبیر به صورت لغوی بکار رفته باشد. مثلاً در مورد نخست می‌توان عبارت را به فارسی چنین نوشت: حدیث او در موضوع نشانهای نبوت حدیث خوبی است. این مطلب را ابن عبدالبر گفته است: بنابر این مطلب یاد شدناهتمالاً از یکی از کتابهای این حجر - و به احتمال از الاستیعاب - نقل شده - و موضوع آن اعلام البهوه می‌باشد. (متوجه).

۳- شرح حال مفصلی از ایوسد خرگوشی در مجله معارف (نحوه پانزدهم، شماره ۳، ۱۳۷۷) که توسط مرحوم احمد طاهری عراقی نوشته شده در شده است. (متوجه)

۴- چاپ بسیار عالی این اثر با تحقیق صالح بن محمدالوینیان در چهار مجلد توسط دارالمسلمین (رباط، ۱۴۱۸) انجام شده است.

۵- بدون تردید این عنوان، نام کتاب نیست و روشن نیست که چرا مؤلف آن را نام یک کتاب دانسته است (متوجه).

من مغازی موسی بن عقبه و در ص ۲۰۲ عمیق‌نویسد: کذا هو فی بعض النسخ من کتاب موسی بن عقبه. این عبارات نشان می‌دهد که او مستقیم از کتاب موسی بن عقبه استفاده کرده و نسخه‌های متعددی از آن را می‌شاخته است. در ۲/۲ - ۷۴۲ در شرح حال مالک بن اسیاق (شرح حال ش ۷۶۷۸) می‌نویسد: زیبر بن بکار از او نام برد اما به اسلام آوردن او اشاره نکرده است. همچنین در مغازی این اسحاق و افادی هم یادی از او نشده. پس از آن می‌نویسد: من غزوه بدر از مغازی موسی بن عقبه را به طور کامل مطالعه کردم اما یادی از مالک بن عمیله نمیدم. ۱۹/۴/۱۹۷۴. لازم به یادآوری است که بیشتر نصوصی که این حجر از مغازی موسی بن عقبه در المعجم المفہرس، برگ ۲۷ شهاب نقل شده است. از مغازی موسی بن عقبه در المعجم المفہرس، برگ ۲۷ الف یاد شده. قطعاً از آن در برلن موجود است. بنگرید: موارد الطبری، مجله المجمع العلمی العراقي، ج ۱، ص ۱۹۵۱۰ و مجلد ۳، ج ۱، ص ۴۰. زاخو نیز قطعاً از آن را چاپ کرده است. نیز نک: فهرسه این خیر، ص ۲۳۰.

۶- المغازی، محمد بن عاذ الدمشقی (م ۲۲۴): دربیست و دو مورد از آن نقل شده است. برای مثال: ۱/۱۲۹، ۲/۵۴، ۳/۱۷۵، ۴/۲۰۰، ۵/۵۸۰، ۶/۳۰۰. در آنجا می‌نویسد: «ابن عاذ در مغازی این عاذ روایت کرده است با سندش به ابن عباس، قال». ص ۲۵۰ در اینجا این حجر می‌نویسد. ذکر این منه و ساق من طریق مغازی این عاذ بسنده الى عطاء الخراسانی». افون بر آن با تعبیرهایی مانند اخراج، روی و ذکر این عاذ در مغازی خود، مطالعی از آن نقل کرده است. نیز نگرید: ۵/۶/۲۴۳، ۶/۴۳، ۷/۴۴. این حجر جزء متنخی از آن را خوانده است.

بنگرید: المعجم المفہرس، برگ ۲۷ الف.

۷- المغازی، ابن عساکر:

در یک مورد از آن نقل شده است: ذکر امثال: ۱/۴، ۲/۳۰۰، ۳/۱۷۵، ۴/۲۰۰. در آنجا می‌نویسد: «ابن عاذ در مغازی این عاذ روایت کرده است با بحث مغازی در تاریخ دمشق باشد. نک: «الاعلان»، ص ۱۶۰.

۸- المغازی، ابوالقاسم اسماعیل بن محمد التیمی (م ۵۳۰):

در یک مورد از آن نقل شده است: ۱/۱۹۲. عبارت الاصابه چنین است: قال ابوموسی: ذکر الامام ابوالقاسم اسماعیل - یعنی شیخه التیمی، فی المغازی». شرح حال و آثار تیمی را بنگرید در: ذکر الحفاظ، ۴/۱۲۷۷.

۹- المغازی، محمد بن اسحاق (م ۱۵۱):

در یک صد و سی و هشت مورد از آن نقل شده است. برای مثال: ۱/۱، ۲/۱۴۶، ۳/۵۹، ۴/۵۹، ۵/۵۹، ۶/۵۷۹، ۷/۵۷۲، ۸/۷۲۲، ۹/۴۱، ۱۰/۶۴۶. دوبار کلمه المغازی الكبير و المغازی الكبيری بکار رفته است (۵/۶۰.۹/۶). در سه مورد المغازی بکار رفته بدون آن که نام مؤلف یاد شود (۱/۲، ۲/۲۶۷، ۳/۹۷)، یک بار نیز کتاب این اسحاق گفته شده است (۴/۵۲۷)، یک بار هم تعبیر «المغازی این اسحاق» از این هشام «بکار رفته است (۱/۵۶۸)». به نظر می‌رسد که او روایات و نسخه‌های مختلفی از این اسحاق اعتماد کرده است. برای نمونه در ۳/۵۲۱ نموده است: در نسخه‌ای از المغازی آمده است... و در ص ۵۲۲ می‌نویسد: ذکرها این اسحاق فی سائز النسخ بلاستاند. در دو مورد نیز مطلبی را از این اسحاق با واسطه نقل کرده است: یکی را استفاده از طبری در تفسیر او از طریق محمد بن اسحاق (۲/۹۵) و دیگری از مستغفری (۵/۵۶۵). وی طریق خود را به مغازی این اسحاق درالمعجم المفہرس برگ ۲۷ ب اورده است. لازم به یادآوری است که سلمه بن فضل رازی کتاب المبتدأ والمغازی را از این اسحاق را بکار رفته است (۱/۸۰.۹/۶). در سه مورد المغازی بکار رفته بدون آن که نام مؤلف یاد شود (۱/۲، ۲/۲۶۷، ۳/۹۷)، یک بار نیز کتاب این اسحاق گفته شده است (۴/۵۲۷)، یک بار هم تعبیر «المغازی این اسحاق» از این هشام «بکار رفته است (۱/۵۶۸)». به نظر می‌رسد که او روایات و نسخه‌های مختلفی از المغازی آمده است... و در ص ۵۲۲ می‌نویسد: ذکرها این اسحاق فی سائز النسخ بلاستاند. در دو مورد نیز مطلبی را از این اسحاق با واسطه نقل کرده است: یکی را استفاده از طبری در تفسیر او از طریق محمد بن اسحاق (۲/۹۵) و دیگری از مستغفری (۵/۵۶۵). وی طریق خود را به مغازی این اسحاق درالمعجم المفہرس برگ ۲۷ ب اورده است. لازم به یادآوری است که سلمه بن فضل رازی کتاب المبتدأ والمغازی را از این اسحاق را بکار رفته است (۱/۸۰.۹/۶). در سه مورد المغازی بکار رفته بدون آن که نام مؤلف یاد شود (۱/۲، ۲/۲۶۷، ۳/۹۷)، یک بار نیز کتاب این اسحاق گفته شده است (۴/۵۲۷)، یک بار هم تعبیر «المغازی این اسحاق» از این هشام «بکار رفته است (۱/۵۶۸)». به نظر می‌رسد که او روایات و نسخه‌های مختلفی از المغازی آمده است... و در ص ۵۲۲ می‌نویسد: ذکرها این اسحاق فی سائز النسخ بلاستاند. در دو مورد نیز مطلبی را از این اسحاق با واسطه نقل کرده است: یکی را استفاده از طبری در تفسیر او از طریق محمد بن اسحاق (۲/۹۵) و دیگری از مستغفری (۵/۵۶۵). وی طریق خود را به مغازی این اسحاق درالمعجم المفہرس برگ ۲۷ ب اورده است. لازم به یادآوری است که سلمه بن فضل رازی کتاب المبتدأ والمغازی را از این اسحاق را بکار رفته است (۱/۸۰.۹/۶). در سه مورد المغازی بکار رفته بدون آن که نام مؤلف یاد شود (۱/۲، ۲/۲۶۷، ۳/۹۷)، یک بار نیز کتاب این اسحاق گفته شده است (۴/۵۲۷)، یک بار هم تعبیر «المغازی این اسحاق» از این هشام «بکار رفته است (۱/۵۶۸)». به نظر می‌رسد که او روایات و نسخه‌های مختلفی از المغازی آمده است... و در ص ۵۲۲ می‌نویسد: ذکرها این اسحاق فی سائز النسخ بلاستاند. در دو مورد نیز مطلبی را از این اسحاق با واسطه نقل کرده است: یکی را استفاده از طبری در تفسیر او از طریق محمد بن اسحاق (۲/۹۵) و دیگری از مستغفری (۵/۵۶۵). وی طریق خود را به مغازی این اسحاق درالمعجم المفہرس برگ ۲۷ ب اورده است. لازم به یادآوری است که سلمه بن فضل رازی کتاب المبتدأ والمغازی را از این اسحاق را بکار رفته است (۱/۸۰.۹/۶). در سه مورد المغازی بکار رفته بدون آن که نام مؤلف یاد شود (۱/۲، ۲/۲۶۷، ۳/۹۷)، یک بار نیز کتاب این اسحاق گفته شده است (۴/۵۲۷)، یک بار هم تعبیر «المغازی این اسحاق» از این هشام «بکار رفته است (۱/۵۶۸)». به نظر می‌رسد که او روایات و نسخه‌های مختلفی از المغازی آمده است... و در ص ۵۲۲ می‌نویسد: ذکرها این اسحاق فی سائز النسخ بلاستاند. در دو مورد نیز مطلبی را از این اسحاق با واسطه نقل کرده است: یکی را استفاده از طبری در تفسیر او از طریق محمد بن اسحاق (۲/۹۵) و دیگری از مستغفری (۵/۵۶۵). وی طریق خود را به مغازی این اسحاق درالمعجم المفہرس برگ ۲۷ ب اورده است. لازم به یادآوری است که سلمه بن فضل رازی کتاب المبتدأ والمغازی را از این اسحاق را بکار رفته است (۱/۸۰.۹/۶). در سه مورد المغازی بکار رفته بدون آن که نام مؤلف یاد شود (۱/۲، ۲/۲۶۷، ۳/۹۷)، یک بار نیز کتاب این اسحاق گفته شده است (۴/۵۲۷)، یک بار هم تعبیر «المغازی این اسحاق» از این هشام «بکار رفته است (۱/۵۶۸)». به نظر می‌رسد که او روایات و نسخه‌های مختلفی از المغازی آمده است... و در ص ۵۲۲ می‌نویسد: ذکرها این اسحاق فی سائز النسخ بلاستاند. در دو مورد نیز مطلبی را از این اسحاق با واسطه نقل کرده است: یکی را استفاده از طبری در تفسیر او از طریق محمد بن اسحاق (۲/۹۵) و دیگری از مستغفری (۵/۵۶۵). وی طریق خود را به مغازی این اسحاق درالمعجم المفہرس برگ ۲۷ ب اورده است. لازم به یادآوری است که سلمه بن فضل رازی کتاب المبتدأ والمغازی را از این اسحاق را بکار رفته است (۱/۸۰.۹/۶). در سه مورد المغازی بکار رفته بدون آن که نام مؤلف یاد شود (۱/۲، ۲/۲۶۷، ۳/۹۷)، یک بار نیز کتاب این اسحاق گفته شده است (۴/۵۲۷)، یک بار هم تعبیر «المغازی این اسحاق» از این هشام «بکار رفته است (۱/۵۶۸)». به نظر می‌رسد که او روایات و نسخه‌های مختلفی از المغازی آمده است... و در ص ۵۲۲ می‌نویسد: ذکرها این اسحاق فی سائز النسخ بلاستاند. در دو مورد نیز مطلبی را از این اسحاق با واسطه نقل کرده است: یکی را استفاده از طبری در تفسیر او از طریق محمد بن اسحاق (۲/۹۵) و دیگری از مستغفری (۵/۵۶۵). وی طریق خود را به مغازی این اسحاق درالمعجم المفہرس برگ ۲۷ ب اورده است. لازم به یادآوری است که سلمه بن فضل رازی کتاب المبتدأ والمغازی را از این اسحاق را بکار رفته است (۱/۸۰.۹/۶). در سه مورد المغازی بکار رفته بدون آن که نام مؤلف یاد شود (۱/۲، ۲/۲۶۷، ۳/۹۷)، یک بار نیز کتاب این اسحاق گفته شده است (۴/۵۲۷)، یک بار هم تعبیر «المغازی این اسحاق» از این هشام «بکار رفته است (۱/۵۶۸)». به نظر می‌رسد که او روایات و نسخه‌های مختلفی از المغازی آمده است... و در ص ۵۲۲ می‌نویسد: ذکرها این اسحاق فی سائز النسخ بلاستاند. در دو مورد نیز مطلبی را از این اسحاق با واسطه نقل کرده است: یکی را استفاده از طبری در تفسیر او از طریق محمد بن اسحاق (۲/۹۵) و دیگری از مستغفری (۵/۵۶۵). وی طریق خود را به مغازی این اسحاق درالمعجم المفہرس برگ ۲۷ ب اورده است. لازم به یادآوری است که سلمه بن فضل رازی کتاب المبتدأ والمغازی را از این اسحاق را بکار رفته است (۱/۸۰.۹/۶). در سه مورد المغازی بکار رفته بدون آن که نام مؤلف یاد شود (۱/۲، ۲/۲۶۷، ۳/۹۷)، یک بار نیز کتاب این اسحاق گفته شده است (۴/۵۲۷)، یک بار هم تعبیر «المغازی این اسحاق» از این هشام «بکار رفته است (۱/۵۶۸)». به نظر می‌رسد که او روایات و نسخه‌های مختلفی از المغازی آمده است... و در ص ۵۲۲ می‌نویسد: ذکرها این اسحاق فی سائز النسخ بلاستاند. در دو مورد نیز مطلبی را از این اسحاق با واسطه نقل کرده است: یکی را استفاده از طبری در تفسیر او از طریق محمد بن اسحاق (۲/۹۵) و دیگری از مستغفری (۵/۵۶۵). وی طریق خود را به مغازی این اسحاق درالمعجم المفہرس برگ ۲۷ ب اورده است. لازم به یادآوری است که سلمه بن فضل رازی کتاب المبتدأ والمغازی را از این اسحاق را بکار رفته است (۱/۸۰.۹/۶). در سه مورد المغازی بکار رفته بدون آن که نام مؤلف یاد شود (۱/۲، ۲/۲۶۷، ۳/۹۷)، یک بار نیز کتاب این اسحاق گفته شده است (۴/۵۲۷)، یک بار هم تعبیر «المغازی این اسحاق» از این هشام «بکار رفته است (۱/۵۶۸)». به نظر می‌رسد که او روایات و نسخه‌های مختلفی از المغازی آمده است... و در ص ۵۲۲ می‌نویسد: ذکرها این اسحاق فی سائز النسخ بلاستاند. در دو مورد نیز مطلبی را از این اسحاق با واسطه نقل کرده است: یکی را استفاده از طبری در تفسیر او از طریق محمد بن اسحاق (۲/۹۵) و دیگری از مستغفری (۵/۵۶۵). وی طریق خود را به مغازی این اسحاق درالمعجم المفہرس برگ ۲۷ ب اورده است. لازم به یادآوری است که سلمه بن فضل رازی کتاب المبتدأ والمغازی را از این اسحاق را بکار رفته است (۱/۸۰.۹/۶). در سه مورد المغازی بکار رفته بدون آن که نام مؤلف یاد شود (۱/۲، ۲/۲۶۷، ۳/۹۷)، یک بار نیز کتاب این اسحاق گفته شده است (۴/۵۲۷)، یک بار هم تعبیر «المغازی این اسحاق» از این هشام «بکار رفته است (۱/۵۶۸)». به نظر می‌رسد که او روایات و نسخه‌های مختلفی از المغازی آمده است... و در ص ۵۲۲ می‌نویسد: ذکرها این اسحاق فی سائز النسخ بلاستاند. در دو مورد نیز مطلبی را از این اسحاق با واسطه نقل کرده است: یکی را استفاده از طبری در تفسیر او از طریق محمد بن اسحاق (۲/۹۵) و دیگری از مستغفری (۵/۵۶۵). وی طریق خود را به مغازی این اسحاق درالمعجم المفہرس برگ ۲۷ ب اورده است. لازم به یادآوری است که سلمه بن فضل رازی کتاب المبتدأ والمغازی را از این اسحاق را بکار رفته است (۱/۸۰.۹/۶). در سه مورد المغازی بکار رفته بدون آن که نام مؤلف یاد شود (۱/۲، ۲/۲۶۷، ۳/۹۷)، یک بار نیز کتاب این اسحاق گفته شده است (۴/۵۲۷)، یک بار هم تعبیر «المغازی این اسحاق» از این هشام «بکار رفته است (۱/۵۶۸)». به نظر می‌رسد که او روایات و نسخه‌های مختلفی از المغازی آمده است... و در ص ۵۲۲ می‌نویسد: ذکرها این اسحاق فی سائز النسخ بلاستاند. در دو مورد نیز مطلبی را از این اسحاق با واسطه نقل کرده است: یکی را استفاده از طبری در تفسیر او از طریق محمد بن اسحاق (۲/۹۵) و دیگری از مستغفری (۵/۵۶۵). وی طریق خود را به مغازی این اسحاق درالمعجم المفہرس برگ ۲۷ ب اورده است. لازم به یادآوری است که سلمه بن فضل رازی کتاب المبتدأ والمغازی را از این اسحاق را بکار رفته است (۱/۸۰.۹/۶). در سه مورد المغازی بکار رفته بدون آن که نام مؤلف یاد شود (۱/۲، ۲/۲۶۷، ۳/۹۷)، یک بار نیز کتاب این اسحاق گفته شده است (۴/۵۲۷)، یک بار هم تعبیر «المغازی این اسحاق» از این هشام «بکار رفته است (۱/۵۶۸)». به نظر می‌رسد که او روایات و نسخه‌های مختلفی از المغازی آمده است... و در ص ۵۲۲ می‌نویسد: ذکرها این اسحاق فی سائز النسخ بلاستاند. در دو مورد نیز مطلبی را از این اسحاق با واسطه نقل کرده است: یکی را استفاده از طبری در تفسیر او از طریق محمد بن اسحاق (۲/۹۵) و دیگری از مستغفری (۵/۵۶۵). وی طریق خود را به مغازی این اسحاق درالمعجم المفہرس برگ ۲۷ ب اورده است. لازم به یادآوری است که سلمه بن فضل رازی کتاب المبتدأ والمغازی را از این اسحاق را بکار رفته است (۱/۸۰.۹/۶). در سه مورد المغازی بکار رفته بدون آن که نام مؤلف یاد شود (۱/۲، ۲/۲۶۷، ۳/۹۷)، یک بار نیز کتاب این اسحاق گفته شده است (۴/۵۲۷)، یک بار هم تعبیر «المغازی این اسحاق» از این هشام «بکار رفته است (۱/۵۶۸)». به نظر می‌رسد که او روایات و نسخه‌های مختلفی از المغازی آمده است... و در ص ۵۲۲ می‌نویسد: ذکرها این اسحاق فی سائز النسخ بلاستاند. در دو مورد نیز مطلبی را از این اسحاق با واسطه نقل کرده است: یکی را استفاده از طبری در تفسیر او از طریق محمد بن اسحاق (۲/۹۵) و دیگری از مستغفری (۵/۵۶۵). وی طریق خود را به مغازی این اسحاق درالمعجم المفہرس برگ ۲۷ ب اورده است. لازم به یادآوری است که سلمه بن فضل رازی کتاب المبتدأ والمغازی را از این اسحاق را بکار رفته است (۱/۸۰.۹/۶). در سه مورد المغازی بکار رفته بدون آن که نام مؤلف یاد شود (۱/۲، ۲/۲۶۷، ۳/۹۷)، یک بار نیز کتاب این اسحاق گفته شده است (۴/۵۲۷)، یک بار هم تعبیر «المغازی این اسحاق» از این هشام «بکار رفته است (۱/۵۶۸)». به نظر می‌رسد که او روایات و نسخه‌های مختلفی از المغازی آمده است... و در ص ۵۲۲ می‌نویسد: ذکرها این اسحاق فی سائز النسخ بلاستاند. در دو مورد نیز مطلبی را از این اسحاق با واسطه نقل کرده است: یکی را استفاده از طبری در تفسیر او از طریق محمد بن اسحاق (۲/۹۵) و دیگری از مستغفری (۵/۵۶۵). وی طریق خود را به مغازی این اسحاق درالمعجم المفہرس برگ ۲۷ ب اورده است. لازم به یادآوری است که سلمه بن فضل رازی کتاب المبتدأ والمغازی را از این اسحاق را بکار رفته است (۱/۸۰.۹/۶). در سه مورد المغازی بکار رفته بدون آن که نام مؤلف یاد شود (۱/۲، ۲/۲۶۷، ۳/۹۷)، یک بار نیز کتاب این اسحاق گفته شده است (۴/۵۲۷)، یک بار هم تعبیر «المغازی این اسحاق» از این هشام «بکار رفته است (۱/۵۶۸)». به نظر می‌رسد که او روایات و نسخه‌های مختلفی از المغازی آمده است... و در ص ۵۲۲ می‌نویسد: ذکرها این اسحاق فی سائز النسخ بلاستاند. در دو مورد نیز مطلبی را از این اسحاق با واسطه نقل کرده است: یکی را استفاده از طبری در تفسیر او از طریق محمد بن اسحاق (۲/۹۵) و دیگری از مستغفری (۵/۵۶۵). وی طریق خود را به مغازی این اسحاق درالمعجم المفہرس برگ ۲۷ ب اورده است. لازم به یادآوری است که سلمه بن فضل رازی کتاب المبتدأ والمغازی را از این اسحاق را بکار رفته است (۱/۸۰.۹/۶). در سه مورد المغازی بکار رفته بدون آن که نام مؤلف یاد شود (۱/۲، ۲/۲۶۷، ۳/۹۷)، یک بار نیز کتاب این اسحاق گفته شده است (۴/۵۲۷)، یک بار هم تعبیر «المغازی این اسحاق» از این هشام «بکار رفته است (۱/۵۶۸)». به نظر می‌رسد که او روایات و نسخه‌های مختلفی از المغازی آمده است... و در ص ۵۲۲ می‌نویسد: ذکرها این اسحاق فی سائز النسخ بلاستاند. در دو مورد نیز مطلبی را از این اسحاق با واسطه نقل کرده است: یکی را استفاده از طبری در تفسیر او از طریق محمد بن اسحاق (۲/۹۵) و دیگری از مستغفری (